

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه معارج

استاد ضرابی

مرداد-آبان ۱۴۰۱

جلسه اول ۱۴۰۱/۵/۲۱

آیه شریفه: «بسم الله الرحمن الرحيم- قسمت اول»

عنوان: مراتب کفر و ایمان در دنیا و آخرت!

پیامبر رحمت(صلی الله علیه و اله) فرمود: «إِذَا قَالَ الْعَبْدُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَ حَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَتَمَّمَ لَهُ أُمُورَهُ وَ أُبَارِكَ لَهُ فِي أحوَالِهِ- هر گاه بنده ای بگوید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ خداوند می‌فرماید: « بنده ام کارش را با نام من آغاز کرد، بر من است تا کارش را به پایان

برسانم و برای او در کارهایش برکت قرار دهم» (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۶۹)

سؤال این است که این کدام اسم از اسماء الهی است که باید خداوند را به آن خواند؟ امام صادق (ع)

درباره اسمی که باید خدای عالمیان را به آن اسم خواند، در تفسیر قول خدای عز و جل «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا -اعراف/ ۱۸۰» فرمودند: «نَحْنُ وَ اللَّهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا - سوگند به خدا ماییم آن نام های نیکو که خدا عملی را از بندگان نپذیرد مگر آنکه با معرفت ما باشد. (با شناخت و دستور و راهنمایی ما باشد)» (اصول کافی / ج ۱ ص ۱۹۶)

ذکر و فکر و دعا نمی خواهم

تو دعای منی تو ذکر منی

از همت پیر ره، صفایی خواهم

گر صوفی صافی نشدم در ره عشق

بنابراین؛ برکت در واردات قلبی و احوال دل و جان، یعنی همان چیزی که قاری قرآن به دنبال

آن و نیازمند به آن است را باید در حقیقت کلمه طیبیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»؛ جست که با معرفت

و تبعیت از اولیاء الهی، تحصیل می‌شود خاصه سید اولیاء و اوصیاء، بهترین و عظیم‌ترین مخلوق

خدا، بعد از پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) که هر یک از سوره‌های قرآن به گونه خود، در شأنی

از شؤون آن سرور، شرحی از او را می‌گوید. پیامبر (ص) فرمود: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بِأُهَا، فَمَنْ

أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ- من شهر دانشم و علی، دروازه آن است. آن که دانش می خواهد، باید از [این]

دروازه در آید.» (المستدرک علی الصحيحین: ج ۳ ص ۱۳۸ ح ۴۶۳۹)

و نیز به تعبیر حضرت امام باقر (ع) «نَحْنُ خُزَانُ عِلْمِ اللَّهِ ، وَنَحْنُ تَرَاجِمُهُ وَحْيِ اللَّهِ- ما گنجوران

علم الهی هستیم و بازگوکنندگان وحی خدایی.» (الكافی: ۱/ ۱۹۲/ ۳)

اما هزار افسوس که بهره ما از این معرفت، بی‌اندازه ناچیز و اندک است! اکنون با مهر علی(ع) و با

تولای علی(ع) می‌گوییم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و وارد سوره شریفه معارج می‌شویم.

گر نخوانم ز علی کامم تلخ

گر نگویم ز علی نطقم لال

با علی بخت حقیقت در اوج

بی علی روح عدالت پامال

«سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ»: ماجرای کسی را بازگو می‌کند که تقاضای عذاب کرد و واقع شد و این

ماجرای همه کسانی است که حالی موافق با او دارند(از گذشتگان و آیندگان) ابوبصیر از امام صادق

(علیه السلام) روایت می‌کند که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «يَا عَلِيُّ لَوْ لَا أَنَّنِي أَخَافُ أَنْ

يَقُولَ فِيكَ مَا قَالَتِ النَّصَارَىٰ فِي الْمَسِيحِ لَقُلْتُ الْيَوْمَ فِيكَ مَقَالَةٌ ... -ای علی! اگر بیم آن نداشتم که

مردم همان چیزهایی را که درباره عیسی (علیه السلام) مسیح گفتند درباره تو بگویند، امروز سخنی

درباره تو می‌گفتم که از هر جا بگذری مسلمانان خاک پای تو را به عنوان تبرک بردارند.

گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش

آن را که دوستی علی نیست کافر است

فردا به روح پاک امامان گواه باش

امروز زنده ام به ولای تو یا علی

حارث بن عمرو فهریّ به جمعی از دوستانش گفت: محمد (صلی الله علیه و آله) مشابهی برای پسر عموی خود جز عیسی بن مریم نیافت و کم مانده او را پس از خود پیامبر کند، به خدا سوگند الهه ای که من می پرستیدم بهتر از اوست ... پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حارث فرمود: «یا توبه می کنی یا از نزد ما می روی؟» حارث گفت: «دلم برای توبه کردن مرا همراهی نمی کند لیکن شما را ترک خواهم کرد». سوار شتر خود شد و رفت و چون به صحرا رسید، خداوند پرنده ای را به سویش فرستاد که سنگی به اندازه عدس با منقار خود حمل می کرد و آن را چنان بر فرق سرش رها ساخت که از نشیمنگاه او در آمد. حارث با این سنگریزه به جان دادن افتاد و به شدت پاهای خود را تکان می داد تا مُرد و خداوند آیه: سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ را برای کافران به ولایت علی (علیه السلام) فرستاد ...». (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۱۰، المناقب، ج ۲، ص ۳۴۲)

دایم ز ولایت علی خواهم گفت / چون روح قدس ناد علی خواهم گفت

تا روح شود غمی که بر جان منست / کل هم و غم، سینجلی خواهم گفت

رحمت الهی برای مومنین در این سوره چه ارمغانی دارد و محور اصلی سوره چیست؟ با توجه به مراتب کفر قلبی و عملی و لسانی (همانند مراتب ایمان: تَصَدِّقٌ بِالْقَلْبِ، وَ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ). اطلاق کفر و کافر و عذابی که برای آن وعده داده شده، در مراتب متفاوتی خواهد بود. خصوصاً کفر قلبی و عملی برای کسانی که به هیچ صورت حاضر نمی شوند نسبت به برخی احکام اسلام تمکین کنند و حتی آن را تبعیض و ظلم و بی عدالتی می شمارند، مانند احکام تقسیم ارث، دیه، تعدد زوجات، ازدواج موقت، دیه، قصاص، شهادت و... (که شیوع بیشتری دارد). موضوع تن به عذاب دادن و خواستار آن شدن هم نباید تنها در شأن نزول آیه «سَأَلْ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِّلْكَافِرِينَ» خلاصه شود؛ چرا که می تواند مصداق فراوانی به مراتب کفر (قلبی و عملی و لسانی) داشته باشد. فراواند کسانی که اگر جانشان را بگیری تن به برخی احکام اسلام نمی دهند یا اگر چاره ای از آن نبینند، بلایی سر خود یا دیگران می آورند و یا آرزوی مرگ و عذابی برای خود و دیگران می کنند. درباره محور اصلی بحث همان طور که دائماً گفته می شود، آیه نخستین هر سوره تمام محتوای سوره را در خود دارد. بنابراین موضوع اصلی درباره دل بیمار کافری است (در مراتب آن) که خداوند طلیعه عذاب آن را در دنیا و اصل و حقیقت آن را در آخرت فرو می فرستد که کافران را از آن گریزی نیست؛ «لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»

اما اینکه اصل و حقیقت جزای الهی در آخرت است نه در دنیا، ضمن آیات «مَنْ اللَّهُ ذِي الْمَعَارِجِ* تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ* فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» درباره آن به خواست خدا گفتگو خواهیم نمود.

وقتی صحبت از آخرت می شود، وعده دوری در ذهن صاحبان ایمان ضعیف و منکران تداعی می کند، به طوری که گویا خیالشان راحت می شود که اکنون به حال خود وا گذاشته شده اند. «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا» اما خداوند و اهل حق، قیامت و ظهور حجت آخرین (عج) را که متصل به قیامت خواهد بود، از نگاه حق بین خود، نزدیک می بینند؛ «وَنَرَاهُ قَرِيبًا» در عصر ظهور، جولان کافران به گونه ای خاتمه خواهد یافت؛ «لِلْحَقِّ دَوْلَةٌ، لِلْبَاطِلِ جَوْلَةٌ. حق جریان پیوسته دارد و باطل جولان مقطعی (امام علی علیه السلام: غرر الحکم/ ص ۵۴۴). و در قیامت به حیات باطل به گونه ای دیگر مهر پایان می خورد «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ وَ لَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا» همان روزی که آسمان همچون فلز گداخته می شود. و کوه ها مانند پشم رنگین [در فضا] متلاشی خواهد بود. و هیچ دوست صمیمی سراغ دوستش را نمی گیرد!

درک حقیقت جزا و پاداش اخروی به صورت کامل برای انسان در دنیا ممکن نیست و اگر با بیانی رساتر و بیش تر از حد این آیات امکان داشت، خداوند بیان می نمود: «يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ وَ صَاحِبَتِهِ وَ أَخِيهِ وَ فَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ» - وقتی حقیقت حالشان را به آنها نشان دهند، کافر بدکار آرزو کند که کاش می توانست، فرزندانش و

همسر و برادرش و قبیله‌اش را که از او حمایت می‌کردند و همه مردم روی زمین را فدای خود سازد تا مایه نجاتش گردند و از عذاب برهد.» اما از آنجا که در جهان پس از مرگ، باطل و خطا، پلیدی و زشتی‌ها راهی جز به سوی جهنم ندارند، تنها توبه کنندگان و رها شدگان از گناهان نجات خواهند یافت». در قیامت همه چیز زنده و هوشمند است، از جمله آتش جهنم «كَلَّا إِنَّهَا لَأُتَىٰ * نَزَّاعَةً لِّلشَّوَىٰ * تَدْعُوا مِّنْ أَذْبَرٍ وَ تَوَلَّىٰ * وَ جَمَعَ فَأُوَعَى - هرگز چنین نیست [که با این‌ها بتوان نجات یافت، آری] تنها شعله‌های سوزان آتش است. که پوست بدن را می‌کند و می‌برد. و کسانی را که پشت کردند [و در حال فرارند، به فرمان خدا، به‌سوی خود] می‌خواند و در خود جا می‌دهد. (آن‌هایی که اموال را) جمع و ذخیره کردند».

اگر پرسیده شود اساساً پلیدی و زشتکاری از کجا ایجاد می‌شود؟ باید گفت که همه انسان‌ها به حسب نفس مادی و حیات طبیعی و غریزه حیوانی خود، حریص و کم‌طاقت آفریده شده‌اند و هنگامی‌که بدی به آنها برسد بی‌تابی می‌کنند و وقتی هم که تمکن و ثروتی و نعمتی به آنها برسد مانع رسیدن آن به دیگران می‌شوند.

شود [و از انفاق آن بخل می‌ورزد]. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا» امام زین العابدین (علیه السلام) در مناجات شاکین می‌فرماید: «إِلَهِي، إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً، وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً، وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَّعَةً، ... - الهی، به تو شکایت می‌کنم از نفسی که همواره به بدی فرمان می‌دهد و به سوی گناه می‌شتابد و به معاصی تو آزمند است... پر عذر و بهانه است و آرزوی دراز دارد، اگر به او گزندی رسد بی‌تابی می‌کند و اگر خیر و برکتی رسدش بخل می‌ورزد، شیفته بازی و سرگرمی است، آکنده از غفلت و بی‌خبری است، مرا به سوی گناه می‌شتاباند و در کار توبه، به من وعده امروز و فردا می‌دهد» (بحار / ۹۴ / ۱۴۳)

انسان تنها به مدد فطرت الهی و تربیت مربیان آسمانی و به نور عقل و ایمان، قادر به غلبه بر شهوات افسار گسیخته و نفس سرکش، خواهد شد. «... إِلَّا الْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَ الَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ ... أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ - جز نمازگزاران (به سعادت نمی‌رسند)، کسانی که نمازهایشان را دائماً به‌جا می‌آورند و کسانی که در اموالشان حق معینی است. برای سائل و محروم و آن‌ها که به روز جزا ایمان دارند و آن‌ها که از عذاب پروردگارشان بیمناکند؛ چرا که هیچ‌کس از عذاب پروردگارش در امان نیست و آن‌ها که دامن خویش را [از بی‌عفتی] حفظ می‌کنند جز با همسران و کنیزان [آمیزش ندارند]، به یقین چنین کسانی مورد سرزنش نخواهند بود و هرکس جز این‌ها را طلب کند، متجاوز است و آن‌ها که امانت‌ها و پیمان خود را رعایت می‌کنند و آن‌ها که به ادای شهادتشان قیام می‌نمایند و آن‌ها که بر نمازشان مواظبت دارند؛ آنان [که چنین اوصافی دارند] در باغ‌های بهشتی گرامی داشته می‌شوند.»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای پسر مسعود!... عَلَيْكَ بِالسَّكِينَةِ وَ الْوَقَارِ وَ كُنْ سَهْلًا لَّيِّنًا عَفِيفًا مُّسْلِمًا تَوَقَّيْ بَارًّا طَاهِرًا مُّطَهَّرًا صَادِقًا خَالِصًا سَلِيمًا صَحِيحًا لَّيِّبًا صَالِحًا صَبُورًا شُكُورًا مُّؤْمِنًا وَرِعًا عَابِدًا زَاهِدًا رَّحِيمًا عَالِمًا فَوَّيْهًا - آرامش دل و وقار داشته باش و سهل‌گیر و نرم‌خو و عقیف و پارسا و نیکوکار و راستگو و خالص و سالم و عاقل و شکیبا و شاکر و مؤمن و پاکدامن و عابد و زاهد و دلسوز و دانا و فهیم باش. که خداوند بلند مرتبه می‌فرماید: أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ.» (بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۹)

بند رقیّت ز پایت بر کند
هم چو سرو و سوسن آزادی کنید

کیست مولا آنکه آزادت کند
ای گروه مؤمنان شادی کنید

من از آن روز که در بند توام آزادم

حافظ از جور تو حاشا که بگرداند روی

وصلی الله علی محمد وآله